



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

## جلوه های عالم غیب در مثنوی معنوی

پژوهشگر:

ناهید عالی

استاد راهنما

آقای دکتر جلیل مشیدی

استاد مشاور

آقای دکتر امین رحیمی

دانشگاه اراک

مهر ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

## جلوه های عالم غیب در مثنوی معنوی

پژوهشگر: ناهید عالی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی

لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:.....

دکتر جلیل مشیدی (استاد

راهنما).....دانشیار

دکتر امین رحیمی (استاد

مشاور).....استادیار

دکتر محمد رضا عمران پور (داور

واخلی).....استادیار

مهر ۱۳۹۰

**تقدیم به**

**پدر و مادرم**

**که آفتاب عمرشان را هرگز خاموشی مباد**

## سپاسگذاری

خداوند بزرگ را شکر گذارم که فرصتی دست داد تا در این مجموعه از زحمات  
استادان محترم گروه

زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک که سعادت داشتم در طی یک دوره تحصیلی از  
وجودشان بهره مند

شوم و از هر کدام آموختنی های بسیار بیاموزم، تشکر کنم .

به ویژه از جناب آقای دکتر جلیل مشیدی و جناب آقای دکتر امین رحیمی که  
راهنمایی و مشاوره ی این

جانب را در این رساله بر عهده داشتند، کمال تشکر را دارم .

## چکیده

این رساله با موضوع غیب اندیشی مولوی در پنج فصل تدوین شده است. که در آن سعی می شود به

موضوع غیب در مثنوی معنوی پرداخته شود. اطلاعات غیبی اطلاعاتی هستند که از طریق حواس به

دست نیامده باشند.

غیب به طور کلی به مطلق و نسبی تقسیم می شود و غیب مطلق آن است که با حواس آدمی نمی گنجد.

مفهوم ایمان به غیب ، ایمان به عالم ماوراءالطبیعه است که در محدوده ی حواس آدمی نمی باشد.

پیامبران و امامان (ع) دارای علم غیب هستند. علم غیب پیامبر اسلام و امامان از سایر پیامبران بیشتر است.

علم غیب پیامبر(ص) و امام مانند علم خداوند ذاتی نیست و این علم را خداوند به آنها موهبت کرده است

علم غیب پیامبر(ص) و امام مطلق نیست بلکه طبق نص قرآن کریم محدودیتهایی دارد. بسیاری از علوم

غیبی پیامبر و امامان (ع) بالفعل است و برخی از علوم آنها نیز ارادی است. یعنی اگر می خواستند خدا آگاه

می کرد .

بعد از مقدمه در فصل اول موضوع غیب بطور کلی بررسی می شود، و در فصول بعدی تمامی پدیده های

عالم غیب یک به یک شرح داده می شوند و در پایان هر فصل دید گاه های مولوی در  
مورد بحث مربوطه

بیان می گردد .

## « فهرست مطالب »

عنوان.....شمار

ه صفحه

.....مقدمه

۱...

## فصل اول :

علم

.....غیب ۷

غیب در قرآن، احادیث، نهج

البلاغه..... ۸

آیا غیب مخصوص ذات احدیت است یا انبیاء و اولیاء هم علم غیب دارند

.....؟ ۱۲

دیدگاه های صاحب نظران راجع به

غیب..... ۱۶

دیدگاه های مولوی درباره ی

غیب..... ۱۹

## فصل دوم :

خوارق

عادات..... ۲۷

معجزات.....

..... ۲۹

کرامات.....

..... ۳۱

سحر و

جادو..... ۳۲

آیا این موارد ارتباطی با عالم غیب دارند

.....؟ ۳۴

دیدگاه های

مولوی..... ۳۵

## فصل سوم :

.....مکاشفه

..... ۶۰

.....وحی

..... ۷۰

بررسی وحی و الهام در قرآن و

احادیث..... ۷۲

تفاوت وحی و

الهام..... ۷۷

.....الهام

..... ۸۵

دیدگاه های

مولوی..... ۸۶

## فصل چهارم :

.....خواب

..... ۹۱

.....رؤیا

..... ۹۲



دیدگاه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی خواب و  
رؤیا.....۹۳

خواب و رؤیا در قرآن و  
احادیث.....۹۵

واقعه (رؤیا)  
واره).....۹۷

دیدگاه‌های  
مولوی.....۹۸

## فصل پنجم :

بداء.....  
۱۱۰.....

هیپنوتیزم.....  
۱۱۴.....

چشم  
زخم.....  
۱۱۵.....

دیدگاه‌های  
مولوی.....  
۱۱۶

نتیجه  
گیری.....  
۱۱۷.....

پی نوشت

.....ها

۱۲۰..

منابع و

.....مآخذ

۱۲۱.....

صفحه ی چکیده و صفحه ی عنوان به انگلیسی

## مقدمه

مولانا جلال الدین محمد بن سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن حسین بن احمد

خطیبی بکری

بلخی که بعدها ملقب به مولانا ی روم، مولانا و ملای روم گشت از تواناترین شعرای

پارسی گوی و

از عرفای صاحب نام است که در ششم ربیع الاوّل سال ۶۰۴ هجری در بلخ دیده به

جهان گشود و

آوازه و سوختگی اش تا قرنهای بعد او را در دلها جاوید ساخت، و گاه او را با تخلص خاموش

می-

شناختند .

مولانا در طول حیات پربار خویش آثار متعدد و ماندگاری از خود به یادگار گذاشت که

بعد از

مرگش مورد اقبال و توجه صاحبان ذوق و معنی شعرا و نویسندگان کثیری قرار گرفت. این آثار که همه چکیده ای از دل پردرد و روح سرشار وی بودند تاکنون نام این عارف دلسوخته

را در اذهان روشن و جاوید ساخته اند و آثار جاویدان او دیوان غزلیات شمس، مجالس سبعه، فیه

ما فیه، مثنوی معنوی و... از همه مهمتر و معروفتر کتاب مثنوی معنوی است .

در کتاب عمیق مثنوی انسان متفکر و خردمند می تواند منابع سرشاری از حکمت و فلسفه و

مترقی ترین جهان بینی های بشری را بنا بر این شاهکار عرفانی از دقایق علمی و لطایف ادبی

بوده به خواننده ی بصیر و باهوش، ذوق و نشاط و رشد فکری و الهام می بخشد و سالک راه حق را

در مدارج کمال یاری می کند .

مثنوی در لغت به معنای دوتایی و از ریشه "ثنی" به معنی دوتا دوتا ست و این اثر به آن دلیل

مثنوی نامیده شده است که در قالب مثنوی یعنی دو به دو سروده شده است . مولانا آن را به نام های دیگری نیز می خوانده است .

از آن جمله حسامی نامه است که در بیتی می فرماید :

می گشت از جذب چو تو علامه ای در جهان گردان حسامی نامه ای

(دفتر ۶ / ۲)

و خود، آنرا صیقل ارواح نامیده است...

مثنوی که صیقل ارواح بود باز گشتش روز استفتاح بود

(دفتر ۲/۶)

اما این اثر نام دیگری جز قالب شعری خود ندارد و یادگار چهارده سال آخر عمر وی  
وایام

مصاحبت وی با حسام الدین چلبی است.

مثنوی حاوی شش دفتر شعر می باشد که در بحر رمل مسدس مقصور سروده است.

دفتر اول شامل ۴۰۰۳، دوم ۳۸۱۰، سوم ۴۸۱۰، چهارم ۳۸۵۵، پنجم ۴۲۳۸، ششم  
۴۹۱۶ بیت

می باشد.

البته اگر ابیات الحاقی را هم به ان اضافه کنیم حدودا ۲۶۶۶۰ بیت می گردد. در ابیات  
معدود نی-

نامه در آغاز دفتر اول ناله اشتیاق نی و شرح درد فراق او در سکوت ناگهانی و نهایی اش  
در پایان

دفتر شرح به محو فنا می رسد و به ناگاه خاتمه می یابد.

در این منظومه طولانی همه مبانی و مسائل اساسی تصوف و عرفان از طلب و عشق  
گرفته تا مراحل

شناخت معرفت با توجه به تطبیق و تلفیق آنها با تعلیمات شرع و آیات قرآنی و احادیث  
و سنتهای

نبوی همه مورد تحقیق قرار گرفته است و هر جا که صلاح بوده است اشاراتی به آداب  
اجتماعی و

اخلاقی که رهبران صوفیه به آنها به نظر اعتبار می نگریسته اند صورت گرفته است.

از آنجا که مثنوی در شعر عرب کاربردی نداشته است این قالب مخصوص ایرانیان است و  
همزمان

با آغاز رواج شعر دری پدید آمده است.

مثنوی معنوی که در بحر رمل مسدس محذوف / مقصور (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن / فاعلات) سروده

شده است گاهی نیز با نام کلی مثنوی به کار می رود این اثر تنها کتاب بزرگی است که بر حسب

معمول زمان با حمد و بسم الله یا آن چه که مفهوم تحمید است، آغاز نشده است و با این حال

طاعنان و حسودان دستاویز خاصی برای طعن آن ساخته اند.

مثنوی بیشتر با دل و جان خواننده سرو کار دارد تا با عقل و ادراک او و از همین روست که خود

او می گوید:

" محرم این هوش جز بیهوش نیست "

به هر حال مولوی یکی از شاعران، عارفان و اندیشه مندان بزرگ فارسی زبان است که اهمیتش در

سطح جهانی نیز امروزه بر اهل نظر پوشیده نیست.

آثار او چه از لحاظ اندیشه و چه از لحاظ سبک و شیوه ی بیان همواره از زمان حیات مولوی تا

کنون مورد توجه و نقد و بررسی بوده اند.

غیب و غیب اندیشی از موضوعاتی است که در مثنوی معنوی به چشم می خورد و آگاهی بیشتر

ما راجع به دیدگاه مولوی در مورد غیب به ما کمک بیشتری در شناخت اندیشه ها و اعتقادات و

زبان شعری او خواهد کرد.

آنچه مثنوی را نردبان آسمان می کند و از این عظیمترین اثر عرفان انسانی که در تمام قرون

ظاهرا هیچ نظری ندارد وسیله ای برای عروج اندیشه به معراج حقائق می سازد، سر قصه ها و

مخصوصا آن گونه قصه های مثنوی است که به احوال انبیاء و اولیا مربوط می شود، و اسرار اقوال

و افعال رسول خدا و سیره ی صحابه و زهاد مشایخ را اسوه ی حسنه و دستاویز نیل به مدارج

کمال سالک طریق می نماید.

نیل به این کمال که عبارت است از رهایی از خودی خود حاجت به معرفت دارد؛ اما این معرفت

عنایت الهی است از طریق هدایت و ارشاد مرشد غیبی حاصل می شود و راه آن تزکیه و مجاهده

است با علم بحثی بدان دست نمی توان یافت.

(زرّین)

کوب، ۱۳۶۶)

علم بحثی در شناخت راه رهایی هرگز جز آنکه حجاب مطلوب شود و طالب را از آنچه مطلوب

اوست دورتر سازد فایده ای ندارد.

وقتی مولانا در الزام متابعت از وحی و شریعت و تحذیر از تمسک به جدال عقلی می گوید که عقل

را باید پیش مصطفی قربان کرد.

عقل قربان کن پیش مصطفی      حسبی الله گو که الله ام کفی

(۱۴۰۸/۴)

ناظر به این نکته است که در آنچه او نشان می دهد عقل هیچ راه حلی را ارائه نمی کند.

عقل را قربان کن اندر عشق دوست      عقلها باری از آن سویست کوست

(۱۴۲۴/۴)

در این رساله سؤالاتی مطرح است که باید جواب آنها به روشنی بیان شود تا رساله به هدف خود

برسد .

سؤالاتی از قبیل:

غیب چیست؟

غیب چه اقسامی دارد؟

آیا مربوط به انبیا و اولیای خداوند می شود؟

دیدگاه های مولانا در مثنوی درباره ی غیب چیست؟

و...

غیب برخلاف شهادت، عبارتست از چیزیکه در تحت حسّ و درک آدمی قرار ندارد، و آن عبارتست

از خدای سبحان، و آیات کبرای او، که همه از حواسّ ما غایبند .

شیخ اشراق در کتاب مطارحات خود تأکید دارد بر شدّت و حدّت اصوات عالم غیب ، به این معنی

که اگر چه گاه مهیب و لرزه اور است، گاهی هم به صورت صوتی ملایم و دلپذیر به گوش می

رسد .

خود مولوی هم که پیرو مذهب ماتریدیه است غیب را تأیید می کند و اعتقاد دارد اگر  
حجاب های

دنیوی و ظاهری برداشته شود انسان خیلی از کارهای شگفت انگیز را میتواند انجام دهد.  
به طوری

که می گوید:

جان ها در اصل خود عیسی دم است      یکزمان زخم است گاهی مرهم  
است

گر حجاب از جان ها بر خاستی      گفت هر جانی مسیح آساستی

(۱۵۹۸/۱)

مولانا تصرف اولیاء در اذهان مردم را اینگونه بیان کرده است که آنها قادرند بنا به  
مصلحت، چیزی

را از ذهن ها پاک کنند و یا به یاد آورند :

انبیاء را هست قدرت از اله      تیر جسته باز آرندش ز راه  
آیت انسو کم ذکری بخوان      قدرت نسیان نهادنشان بدان  
چون به تذکیر و به نسیان قادرند      بر همه دل های خلقان قاهرند  
چون به نسیان بست او راه نظر      کار نتوان کرد و با شد هنر  
خلتم سخریّه اهل السّمو      از نبی برخوان تو تا انسو کم؟

(۱۶۷۰/۱)



## فصل اول :

۱. علم غیب

۲. غیب در قرآن، احادیث، نهج البلاغه

۳. آیا غیب مخصوص ذات احدیت است یا انبیاء و اولیاء هم علم غیب دارند؟

۴. دیدگاه های صاحب نظران راجع به غیب

۵. دیدگاه های مولوی درباره ی غیب

## «علم غیب»

مقصود از غیب همان امور پنهان از حسّ بشر است یعنی اموری که از قلمرو ابزار آگاهی های او

بیرون می باشد قرآن در آیات متعددی خدا را با صفت "عالم الغیب و الشّهادة" توصیف می کند ،

مقصود این است که علم او بر آنچه که از قلمرو حسّ بشر بیرون است، یا در قلمرو خواص او قرار

دارد، حیّط و مسلّط می باشد و او از آنچه که از شما غایب یا بر شما محسوس است آگاه می باشد.

و اما برای بررسی بیشتر علم غیب بایستی به این مسئله توجه کنیم که اساساً غیب یک امر نسبی

است، و در مورد افراد مختلف فرق می کند .

خداوند متعال عالم الغیب و الشّهادة است و همه چیز برای او شهود است و چیزی نیست که برای او

غیب محسوب شود. غیب و شهود دو نقطه ی مقابل یکدیگرند، عالم شهود عالم محسوسات است، و

عالم غیب، ماوراء حسّ می باشد.

در قرآن کریم می خوانیم :

عالم الغیب والشّهادة هو الرّحمن الرّحیم. (حشر/۲۲)۱

این مسئله روشن و واضح است که غیب اموری است که فقط خداوند متعال می داند و علم آن را

به هیچ کس نداده است .

مانند قیامت:

يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ...

مردم از تو در باره رستاخیز می پرسند بگو : علم آن فقط نزد خداست... (احزاب/۶۳)

ابتدا به مساله ی غیب در قرآن می پردازیم سپس انواع غیب را بیان می کنیم :

## علم غیب از دیدگاه قرآن

غیب یعنی چیزی که از چشم عادی پنهان است، خواه آن چیز هم اکنون تحقق یافته باشد، یا بعد

از این تحقق پیدا کند، و آیاتی که در قرآن مجید مربوط به «علم غیب» است به طور کلی بر سه

دسته است :

**دسته ی اول:** آیاتی است که با تاکید بسیار و تعبیرات مختلفی علم غیب را مخصوص خداوند

جهان معرفی می کند، مثلا می گوید: انما الغیب لله یعنی علم غیب مخصوص خداوند است.

**ونیز می گوید:** لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله (نمل/۶۵) یعنی در آسمانها و زمین

هیچکس جز خداوند «غیب نمی داند» و باز می فرماید: «و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو»

یعنی خزائن غیب منحصر نزد خداوند است و جز او کسی به آنها دانا نیست. (انعام/۵۹)

تعبیراتی که دانستن غیب را در انحصار خداوند معرفی می کند در قرآن فراوان است. اینها غیب را

مطلق برای حق متعال می دانند .

مثلا در موردی که بالا اشاره شد می‌گوید:

لله غيب السموات و الارض . یعنی غیب آسمانها و زمین از آن پروردگار است و بالاخره  
بیش از

شش مورد خداوند متعال را به وصف «عالم الغیب و الشَّهاده» یعنی داننده پنهان و  
آشکار

توصیف می‌کند. (رعد/۹)

**دسته ی دوم:** آیاتی است که مفاد آنها این است که پیغمبران خدا «علم غیب»  
ندارند، در این

آیات یا آنها خود به این موضوع تصریح می‌کنند یا از جریانی که قرآن درباره‌ی آنان نقل  
می‌کند

این مطلب به دست می‌آید:

**مثلا حضرت نوح می‌گوید:**

«و لا اقول لكم عندی خزائن الله و لا اعلم الغیب» یعنی من به شما نمی‌گویم که  
گنجینه‌های

خداوند نزد من است و نیز ادعا نمی‌کنم که «علم غیب» دارم. (هود/۳۱)

پیغمبر اسلام می‌گوید: و لو كنت اعلم الغیب لاستكثرت من الخیر و ما مسنى السوء  
یعنی اگر

«علم غیب» می‌داشتم خیر بیشتری به دست می‌آوردم و هرگز ناراحتی و ضرری به من  
نمی‌رسید.

(اعراف/۱۸۸)

و نیز قل ما كنت بدعا من الرّسل و ما ادری ما یفعل بی و لا بکم ان اتّبع الّا ما یوحی  
الیّ... یعنی

من نخستین پیغمبر خدا نیستم و پیش از من نیز پیغمبرانی به سوی مردم آمده‌اند.